

چرا LNG؟

نگاه دکتر نرسی قربان، مدیر عامل شرکت نارکنگان و عضو هیأت تحریریه ماهنامه «اقتصاد ایران»



پیشنهاد اخیر مهندس قلعه‌بانی، معاون محترم وزیر نفت و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران، در مورد بازنگری بعضی از طرح‌های گازی کشور از جمله برنامه تولید ال‌ان‌جی (LNG) از اهمیت زیادی برخوردار است. تحلیل‌گران انرژی کشور در چند سال گذشته به لزوم این بازنگری اشاره داشته‌اند و تصمیم مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران به این مهم، می‌تواند راهکارهای جدیدی را برای صنعت نفت و گاز کشورمان ترسیم نماید.

به طور کلی، سیاست‌های کلی نظام در بخش انرژی، خام‌فروشی را منع نموده و به جایگزینی صادرات فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی به جای صادرات نفت خام و گاز طبیعی اشاره دارند. در چنین شرایطی، تأکید بر ورود به بازار LNG که مصداق خام‌فروشی است، باید بازنگری شود. از سوی دیگر، سیاست‌های نظام بهره‌برداری از موقعیت منطقه‌ای و جغرافیایی کشور برای خرید و فروش، فرآوری و پالایش و معاوضه و انتقال نفت و گاز منطقه به بازارهای داخلی و جهانی، اجازه می‌دهند که تعاملات گاز از طریق خط لوله انتقال گاز در نظر گرفته شود.

چالش‌های رقابتی

صنعت گاز، شاهد تحولات زیادی در چند سال گذشته بوده که قسمت عمده آن مربوط به بهره‌برداری از سازند شیل در آمریکا به کمک تکنولوژی‌های جدید می‌باشد. به دنبال تولید گازهای غیرمعارف در ایالات متحده در سال ۲۰۰۹ تولید گاز این کشور از روسیه پیشی گرفت و پیش‌بینی می‌شود در سال‌های آتی، آمریکا از واردات گاز بی‌نیاز گردد. با پیشرفت‌های فنی و بکارگیری سازند شیل در سایر کشورهای مهم جهان از جمله چین، هند، آلمان و کانادا پیش‌بینی می‌شود که عرضه گاز در سال‌های آتی افزایش یابد.

از سوی دیگر، افزایش تولید LNG در قطر، استرالیا و سایر نقاط جهان که عمدتاً بازار پُرسود آمریکا را هدف قرار داده بودند، به علت افزایش تولید گاز در آمریکا با مشکل روبرو هستند و محموله‌های LNG متوجه بازارهای اروپایی و خاور دور گردیده‌اند که این روند، منجر به کاهش قیمت وارداتی گاز به این بازارها شده است. در حال حاضر خرید محموله‌های LNG از بازار آزاد به مراتب

این گروه افزوده شده‌اند. فاینانس طرح‌های LNG بستگی زیادی به قرارداد دراز مدت فروش گاز دارد که در حال حاضر محقق نشده است.

(۳) بازار LNG به طور کلی بر مبنای قراردادهای دراز مدت (حدود ۲۰ سال) شکل گرفته و مقدار گازی که به صورت SPOT مورد معامله قرار می‌گیرد، درصد کمی از کل تجارت LNG می‌باشد. ایران در چند سال گذشته، عقد قراردادهای دراز مدت را با مشتریان LNG به صورت جدی پیگیری نموده است، ولی تاکنون این مذاکرات در سطح تفاهم نامه‌های مختلف باقی مانده‌اند.

(۴) قیمت گاز که تا ۵ سال پیش انتظار می‌رفت بر مبنای ارزش حرارتی آن به نفت نزدیک‌تر شود، در چندین سال اخیر عملاً از آن دور شده است. با پیش‌بینی آن که با بهره‌برداری از گازهای غیرمعارف در کشورهای مختلف، عرضه گاز در سال‌های آتی افزایش می‌یابد، احتمال آن که روند تغییرات قیمت گاز و نفت یکسو نباشد زیاد است. مثلاً در ۵۲ هفته گذشته (اکتبر ۲۰۰۹ تا اکتبر ۲۰۱۰)، قیمت نفت وست تگزاس اینترمیدیت آمریکا (WTI) بین ۷۵/۴۶ و ۸۵ دلار نوسان داشته و در ۱۲ اکتبر، نزدیک به بالاترین قیمت خود یعنی ۸۲ دلار رسیده است. نوسان قیمت گاز آمریکا (Henry Hub) در زمان فوق‌الذکر بین ۶/۷۶ و ۳/۸۳ دلار تعیین شده و در حال حاضر در پایین‌ترین ارزش خود قرار دارد.

با در نظر گرفتن عوامل فوق که به تدریج در ۵ سال گذشته بازارها را تحت تأثیر قرار داده، بازنگری جدی طرح‌های LNG قدم بسیار مثبتی از سوی مدیر عامل جدید شرکت ملی نفت ایران تلقی می‌شود که بهتر بود در چند سال پیش به مرحله اجرا در می‌آمد.

ایران باید از ذخایر عظیم گازی خود که اخیراً طبق اعلام وزارت نفت از حدود ۳۰ تریلیون به ۳۳ تریلیون متر مکعب افزایش یافته، برای تزریق به چاه‌های نفتی جهت بازیافت مجدد، توسعه اقتصادی و ایجاد اشتغال بهره‌برداری نماید. در این رابطه، صنایع گازبر می‌باید مد نظر قرار گیرند و قیمت دراز مدت گاز برای این صنایع بر مبنای قیمت‌هایی که رقبا ایران در منطقه خلیج فارس، گاز را به صنایع خود ارائه کنند تعیین گردد. ■

ارزان‌تر از گاز وارداتی از روسیه از طریق خط لوله انتقال گاز به اروپا و یا از ایران به ترکیه می‌باشد. مثلاً قیمت گاز وارداتی از طریق LNG به ترکیه، اخیراً کمتر از ۶ دلار به ازای هر میلیون بی‌تی‌یو بود که حدود ۳۵ درصد کمتر از قیمت گاز وارداتی ایران و روسیه به این کشور است. در چنین شرایطی، کشور وارد کننده سعی خواهد کرد کمترین مقدار گاز را طبق قراردادهای دراز مدت خرید و فروش گاز وارد نماید.

سرمایه‌گذاری کلان برای LNG در ایران، در چنین شرایطی باید مورد بازنگری قرار گیرد. در حالی که ما برای تولید از حوزه مشترک گاز پارس جنوبی در ایران و گنبد شمالی در قطر در رقابت هستیم، برای تولید LNG هیچ گونه رقابتی با این کشور نداریم. دلایل عمده‌ای که این بازنگری را می‌طلبند به شرح زیر می‌باشند:

(۱) تولید LNG نیاز به تکنولوژی پیشرفته‌ای دارد که لیسانس‌های آن عمدتاً در اختیار معدودی از شرکت‌های آمریکایی و اروپایی می‌باشند و بدون استفاده از این تکنولوژی که فعلاً برای ایران مقدر نیست، طرح‌های LNG با تأخیرها و ریسک‌های عمده‌ای مواجه خواهند شد و منجر به اتلاف منابع می‌گردند. لیسانس شرکت لینده که مورد نظر دست اندرکاران طرح LNG در ایران است، با مشکلات فنی روبرو شده و اخیراً هم این شرکت از ادامه کار در ایران امتناع نموده است.

(۲) فاینانس طرح‌های LNG در گرو تعامل با بانک‌های بزرگ جهان می‌باشد که عمدتاً به خاطر حجم معاملاتی که با آمریکا دارند از طرح‌های ایران استقبال نمی‌کنند. اخیراً بانک‌های اروپایی به